



## آوازه‌های فراموش شده دختر کولخیسی

یادداشتی بر فیلم مده‌آ به کارگردانی پی‌یر پائولو پازولینی

امیرحسین نیکی



بهشت رؤیایی او، خیالی خام بود. سهم دختر کولخیسی از سرزمین یونان، تنها نفرین و لعنت بود. مردمی که او برای آن‌ها از جان عزیزانش گذشته بود، پشت سرش زمزمه می‌کردند: "خودش است دختر کولخیسی، همان عفریته جادوگر که برادرش را کشت و به پدرش خیانت کرد و به هزار وسوسه یاسون را فریفت تا با او هم‌بستر شود. از چنین زنی هر چه بگویی بر می‌آید. از سحر و جادوی او باید هراسان بود."

کورینت از روز اول برای مده‌آ منزل مناسبی نبود. او تک‌غریبه این شهر یونانی است. یونانیان هرگز او را از خود ندانستند و یاسون همسر او، اگرچه ابتدا از او حمایت می‌کرد، پس از مدتی میان زنی جسور و پرخاشگر و وسوسه‌ وعده‌های کرثون پادشاه کورینت دومی را برگزید. غافل از آن‌که مده‌آ این عصیانگر، قول خود را که دست برداشتن از سحر و جادو بود خواهد شکست؛ که پایبندی به قول با مردی که خود سر قول‌هایش نمانده است، حماقت است.

مده‌آ ساخته ۱۹۶۹ از آثار پی‌یر پائولو پازولینی سینماگر شهیر ایتالیایی، اقتباسی آزاد از نمایشنامه معروف

سپیده‌دم هولناکی است. خورشید سر برخاستن ندارد. چه برخاستنی! چگونه می‌توان اتفاقی چنین شوم را تاب آورد. مده‌آ این دختر سرکش کولخیسی هرگز در برابر سرنوشت، تسلیم نخواهد شد. او بارها معنای شکست را چشیده است؛ اما چون جنگجویی زخمی در میدان نبرد بازمانده است. مده‌آ فرزندان را قربانی جنگی نابرابر می‌کند، خانه بی‌شوی مانده‌اش را به آتش می‌کشد و همراه پیکر بی‌جان دو فرزندش، سوار بر ارابه خورشید، که پدربزرگش هلیوس برایش فرستاده است، کورینت را ترک می‌کند. یاسون التماس می‌کند که بگذار پیکر فرزندانم را دفن کنم، اما مده‌آ خشمگین‌تر از آن است که بتواند ذره‌ای ترحم بر حال این مرد نگون بخت داشته باشد.

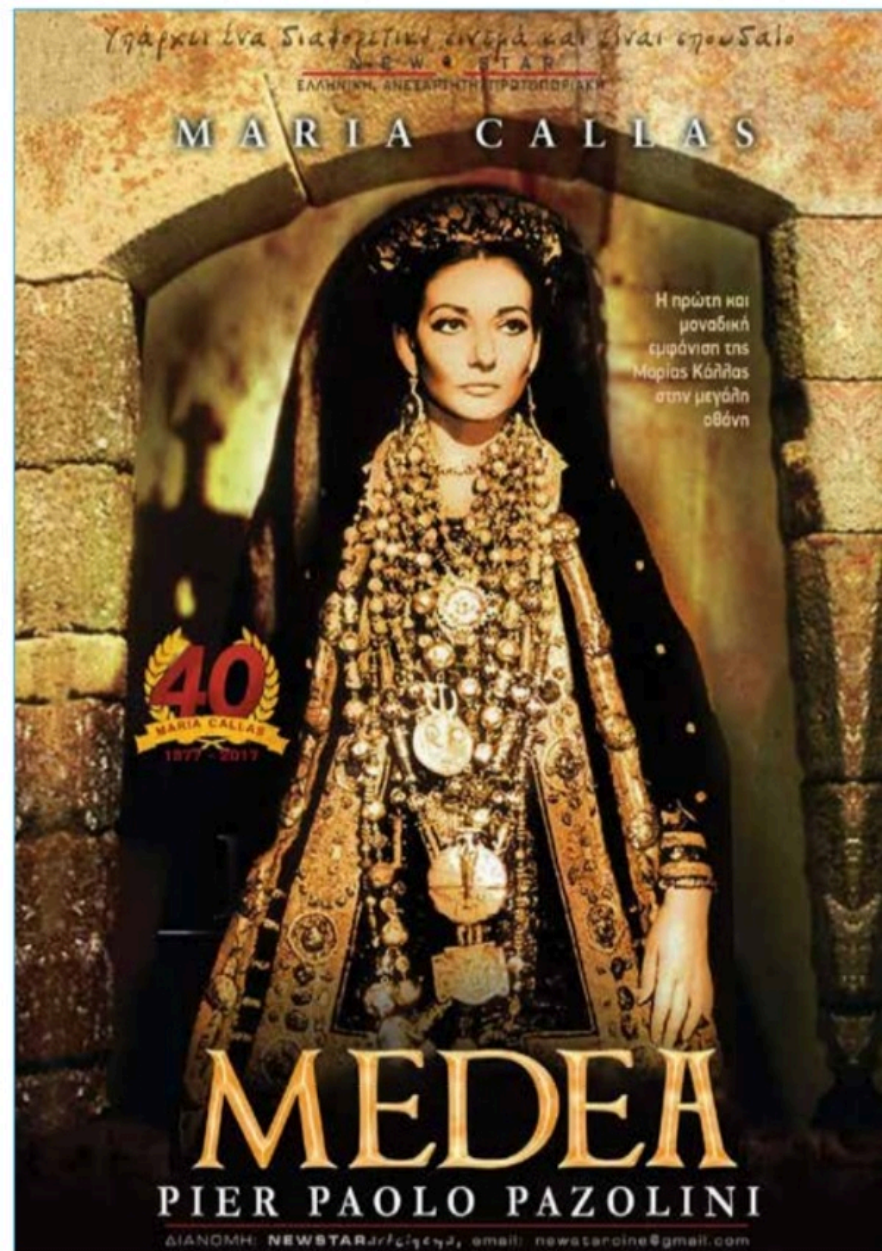
او به دست خود فرزندان را کشته است و اینک سرگردان از کورینت خواهد گریخت. مده‌آ به پدرش خیانت کرد و برادرش را قربانی فرار همراه با یاسون کرد تا بتواند پشم زرین را به یونان بازگرداند. او چنان به یاسون دل بست که گویی می‌خواهد از عمق سیاهی یک سرزمین نفرینی، به بهشت موعود برود، غافل از آن‌که

از جمله آثاری هستند که با تغییرات نسبتاً گسترده در داستان مده‌آ و با حفظ شالوده و ساختار اصلی، از این اثر کلاسیک برای تعمیم این تراژدی به زمانه خود بهره گرفته‌اند. مده‌آ در عرصه سینمایی نیز چندین بار مورد توجه سینماگران قرار گرفته است. لارس فون تریه و آندره پایاتورو با دو ساخته نسبتاً ناموفق خود از جمله معروف‌ترین این سینماگران هستند. کارل تئودور درایر کارگردان شاعر مسلک دانمارکی نیز از جمله کارگردان‌های متفاوتی بود که فیلمنامه‌ای بر اساس تراژدی مده‌آ نوشت؛ اما مرگ نابهنگامش مجال ساخت برداشت او از این نمایش‌نامه را نداد. یک سال بعد پازولینی از ماریا کالاس ستاره آپرای اروپا دعوت کرد تا در فیلم مده‌آی او بازی کند. این دعوت معنای دیگری نیز در خود داشت؛ چراکه پیش‌تر کارل تئودور درایر نیز از خانم کالاس برای بازی در فیلمش دعوت کرده بود. با وجود این فیلم‌نامه پازولینی تفاوت‌های زیادی با فیلم‌نامه‌ای دارد که درایر آماده ساختن کرده بود.

مده‌آی پازولینی را شاید تنها نسخه سینمایی مده‌آ باید دانست که با استقبال منتقدین و تماشاگران سینمای موج نو اروپا مواجه شد. مده‌آ و پادشاهی اودیپ دو اثر پازولینی هستند که به صورت مستقیم بر اساس دو نمایشنامه معروف یونانی نوشته شده‌اند. اما میان برداشت پازولینی از این دو نمایش‌نامه، یک تفاوت آشکار دیده می‌شود. در پادشاهی اودیپ، پازولینی آغاز فیلم را زمانه امروز در نظر می‌گیرد. شخصیت اودیپ وارد زمان باستان می‌شود و در انتهای داستان، اودیپ نابینا بار دیگر به زمان امروز باز می‌گردد. اما در مده‌آ پازولینی، تمام فیلم را در زمان باستانی خود نگاه می‌دارد و می‌کوشد تا از دل داستان مده‌آی اوریپیدس به یک مده‌آی بی‌زمان و بی‌مکان برسد که برای بیننده قابل پذیرش باشد. خلق چنین شخصیت و موقعیتی به پازولینی این امکان را می‌دهد که اندیشه‌های پیشرو خود را در قالب یک داستان شناخته‌شده و تأثیرگذار برای بیننده‌اش بازگو کند.

پازولینی فیلم مده‌آ را به شیوه‌ی شبه مستند می‌سازد، تصاویر با کمترین دکور و بیشتر شبیه برداشت‌هایی از واقعیت‌اند. نکته قابل تأمل آن پیوند بسیار خوبی است

تراژدی‌نویس یونان باستان اوریپیدس است. داستان مده‌آ که تنها بخشی از زندگی اوست و به سبب اهمیتی که اوریپیدس به آن داده است، نسبت به بخش‌های دیگر زندگی مده‌آ معروف‌تر شده است. سرگذشت مده‌آ از زمان رویارویی با یاسون تا زمان ترک جزیره کورینت است که به سبب متفاوت بودن داستان و نکته‌های بسیار و برداشت‌های متفاوتی که از آن می‌شود، بارها مورد بازآفرینی قرار گرفته است. مده‌آ منهتن دئا لوه، مده‌آی آتورلیوپس و یا نمایش‌نامه‌ای به همین نام اثر فرانتس گرلیپارز نماینده‌نویس معروف فرانسوی





تدفین فرزندان.

بازیگر اصلی نقش مده‌آ همان‌طور که گفته شد ماریا کالاس خواننده سوپرانوی معروف یونانی آمریکایی است که بسیاری از بزرگان موسیقی کلاسیک غربی، او را بهترین خواننده اپرای تاریخ موسیقی می‌دانند.

ماریا کالاس که سال‌ها قبل نمایش‌نامه مده‌آ را روی صحنه بازی کرده بود، این بار بی‌آن‌که آوازی بخواند و در زمانی که در اوج شهرت بود در این فیلم بازی کرده است. استفاده از او بی‌آن‌که از صدایش در فیلم استفاده شود، خود‌آیژه‌ای مفهومی و نمادین است که پازولینی در فیلم از آن بهره می‌برد. سینمای پازولینی سراسر نماد است. ساختار فرمالیستی قوی و پیچیده‌ی او ازدحامی از نمادها را در خود جا داده است. در کنار ماریا کالاس، نقش یاسون را جوزپه جنتیلی بازی می‌کند که ورزشکاری مشهور در آن زمان است و نخستین و تنهاترین حضور سینمایی خود را در مده‌آ تجربه کرده است. قرار دادن یک هنرمند فرهیخته که هنرش در صدایش تجلی یافته است؛ همچون کالاس در قامت شخصیتی که آواز نمی‌خواند اما در دلش نیز به سکوت و خفت تن نمی‌دهد در برابر شخصیتی که در جامعه به لحاظ ورزشکار بودنش محبوب است، نکته قابل تأمل این انتخاب‌هاست. جایی که می‌بینیم چگونه کالاس دل به چه کس می‌بندد و در آینده چه نصیبش می‌شود. پازولینی اگرچه به‌ظاهر بر خلاف پادشاهی اودیپ به‌صورت تصویری به آینده یا حال نقب نزده است؛ اما این بار با انتخاب‌هایش به‌صورتی تأثیرگذارتر حرف‌هایش را می‌زند و اسطوره را از زمان باستان به عصر خود می‌آورد. لاجرم انتقام

که تصاویر با برداشت ما از زندگی پیشینیان دارد. فیلم به‌سبب تصاویر زنده و قابل حس خود که از سینمای تجاری روز، آن را متمایز می‌کند به ما این امکان را می‌دهد که بتوانیم از زندگی صنعتی و مدرن امروزی به دنیای کهن داستان وارد شویم. پازولینی در آثار دیگر خود نیز نشان داده است که به‌خوبی می‌تواند بیننده را با موقعیت وقوع داستان آشنا کند و به او امکان ارتباط و درک مکانی بدهد؛ امری که در مده‌آ نیز به‌خوبی دیده می‌شود. مده‌آی پازولینی از نظر داستانی بخش بلندتری از زندگی مده‌آ را نسبت به نمایش‌نامه اوریپیدس شامل می‌شود.

داستان مده‌آ در افسانه‌های یونان باستان در ادامه داستان کشتی آرگونات‌ها رخ می‌دهد. این دو داستان از یکدیگر جدا نیستند؛ چراکه پیوستن مده‌آ به یاسون در انتهای داستان کشتی آرگونات‌ها رخ می‌دهد و سرنوشت پیر فرازونشیب مده‌آ پس از فرار از کولخیس نیز باز به داستان آرگونات‌ها وابسته است.

در تراژدی مده‌آ وقتی یاسون تصمیم می‌گیرد عشق خود به مده‌آ را خدشه‌دار کند و به ازدواج با دختر کرئون، حاکم کورینت تن دهد، مده‌آ در بحرانی‌ترین شرایط روحی قرار می‌گیرد. این زن سرکش و عصیانگر برای رسیدن به یاسون از خانواده خود گذشته است و نیز عهد بسته است که هرگز به سحر دست نزند. او ابتدا گمان می‌کند می‌تواند مانع از این گسست شود؛ اما پادشاه کورینت که از قدرت سحر مده‌آ باخبر است فرمان می‌دهد که مده‌آ هرچه زودتر باید شهر را ترک کند. مده‌آ تصمیم می‌گیرد انتقام بگیرد. او به خشونت‌بارترین شکل ممکن انتقام می‌گیرد. سپس فرزندان خود را نیز می‌کشد تا راه انتقام را برای بازماندگان باز نگذارد. اوج دردناکی این تراژدی در سرگردانی بیننده یا خواننده اثر است جایی که در میان خشم و نفرت از کردار مده‌آ با او هم‌ذات‌پنداری می‌کند و در دل به او حق می‌دهد که تا این حد نسبت به جهان اطراف خود با نفرت و لعن رفتار کند.

در نمای پایانی فیلم، مده‌آ در پاسخ التماس یاسون که پیکر بی‌جان فرزندانش را می‌خواهد با فریاد می‌گوید دیگر برای همه‌چیز دیر است؛ برای همه‌چیز حتی

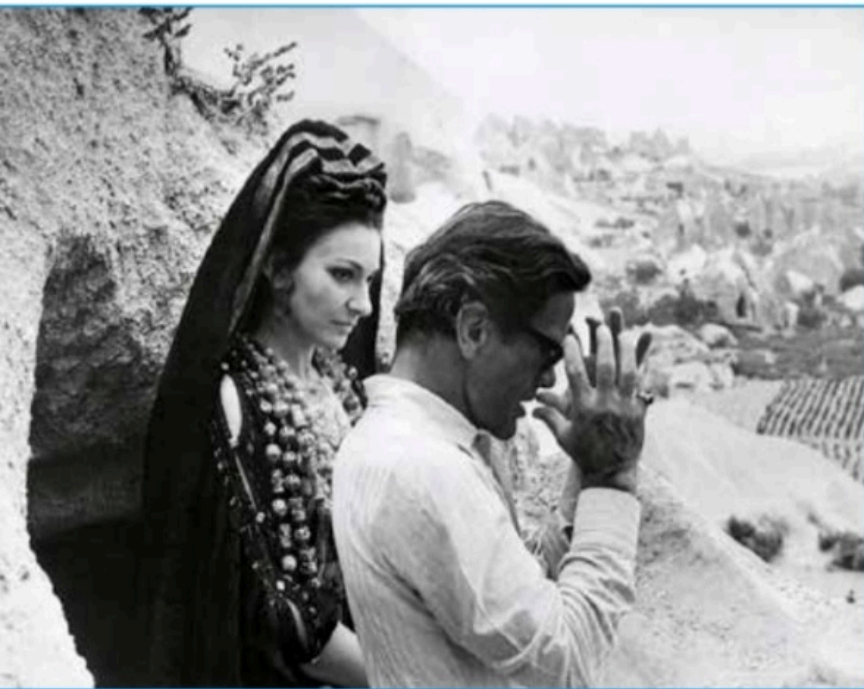
گفته شد پازولینی خلاصه‌ای از داستان آرگونات‌ها را در کنار داستان نمایش‌نامه مده‌آی اورپیدس قرار داده است. داستان از جایی دچار تنش می‌شود که دختر پادشاه کولخیس یعنی مده‌آ که در یک بافت فرهنگی بسته شرقی پرورش یافته است، دل به جذابیت‌های ظاهری یاسون غربی می‌بندد. آئیتس پادشاه کولخیس می‌کوشد یاسون را از پای در آورد؛ اما از عشق دخترش به یاسون بی‌خبر است. مده‌آ به کمک سحر و جادوی خود یاسون را به پشم زرین می‌رساند و راه گریز را به او نشان می‌دهد. یاسون نیز مده‌آ را با خود به قایق آرگونات‌ها می‌برد و در راه فرار، مده‌آ برادر خود را قربانی می‌کند. او با تکه‌تکه کردن برادرش و پراکندن بدن او در دریا پدرش را او می‌دارد که دست از سر قایق او بردارد و باگردن تا با جمع کردن تکه‌های پیکر پسرش به سوگواری او بنشیند. سحر و جادوی مده‌آ و خشونت‌های او در برابر خانواده‌اش دارد ریشه در عشقی آتشین و بی‌محابا دارد که در دل او نسبت به یاسون شعله کشیده است. دریغ که او نمی‌داند همین دو عامل در کورینت تبدیل به اتهاماتی می‌شوند که مردم را از او هراسان می‌کند. مردم یونان با خود می‌گویند بی‌شک کسی که به خاطر عشق، می‌تواند دست به چنین خشونت‌هایی بزند، برای نفرت خود دست به خشونت‌هایی هولناک‌تر نیز خواهد زد. حقیقتی که در انتهای تراژدی مده‌آ به‌وقوع می‌رسد.

ابتدای داستان آرگونات‌ها در فیلم مده‌آی پازولینی با سفر یاسون و دیگر پهلوانان یونانی آغاز می‌شود؛ جایی که عموی یاسون سلطنت را از او غصب کرده است و اینک به یاسون وعده می‌دهد در صورتی که پشم زرین را به یونان آورد تاج و تخت را به او واگذار خواهد کرد. وقتی یاسون به کمک مده‌آ، پشم زرین را به نزد عموی خود پلیاس می‌آورد، پلیاس به او می‌گوید حقیقتی وجود دارد که تو از آن بی‌خبری و آن این است که پادشاهان هرگز نیازی نمی‌بینند به قول‌های خود عمل کنند. این جمله فیلم که پازولینی آن را با توجه به محتوای اصل داستان به متن افزوده است یکی از نکات کلیدی فیلم است که کاملاً برخاسته از تفکرات پازولینی است. او پلیاس را نماد چهره‌گریه قدرت (بخوانید سیاست و ثروت) می‌داند. یاسون که هنوز از حرارت عشق مده‌آ گرم

مده‌آ از یاسون بدل به تصویری از انتقام معصومیت از دست‌رفته هنر در برابر مظاهر پوپولیستی جوامع غربی می‌شود؛ موضوعی که پازولینی بارها در فیلم‌هایش به آن اعتراض کرده است. سینمای پازولینی همواره اعتراضی به چهره‌ها و جنبه‌های مختلف فاشیسم است. مده‌آ نیز با وجود آن که یک داستان تراژیک کهن یونانی است باز پیوندی عمیق و درست با اندیشه‌های سازنده‌اش دارد. در داستان‌های کهن یونانی، مده‌آ ساحره و کاهنه معبدی در کولخیس است. او دختر آئیتس پادشاه قفقاز (گرجستان کنونی) است. هرمس ایزد پیام‌آور و نبرد، قوچی سخنگو و زرین پشم را از جانب زئوس به آدمیان هدیه داده است که پشتیبان فراوانی خوراک آن‌ها باشد؛ اما در سرزمین‌های شرقی که یونانیان آن‌ها را به خاطر خشونت رفتاری و سحر و جادویی که به آن دست یافته بودند، بربر خطاب می‌کردند، این قوچ زرین سر بریده می‌شود. آرگونات‌ها سوار بر کشتی‌ای به همین نام و با رهبری یاسون و همراهی بسیاری از پهلوانان نامی یونان به ساحل کولخیس می‌آیند تا بلکه بتوانند پشم زرین را برابیند و به یونان برگردانند.

این داستان تلاش یونانیان برای به‌دست آوردن نماد قدرت و نعمت در برابر قبیله‌ای شرقی، در فیلم مده‌آ نیز بازتاب یافته است. در حقیقت همان‌طور که





در نمایی از فیلم مده‌آی پازولینی، یاسون دست در دست فرزندانش به سوی قصر کرئون می‌شتابد. مده‌آ به او قول داده است دستور پادشاه را اجابت کند و برای آن‌که پادشاه بپذیرد فرزندانش را با خود به تبعید نبرد و نزد پدر نگاهشان دارد، هدیه‌ای گرانبها برای نوعروس فرستاده است. هدیه‌ای که دختر پادشاه کورینت از دیدن آن بسیار خشنود خواهد شد. اما این شادمانی دیری نمی‌پاید؛ چراکه هدیه به سمی بس کشنده آغشته است. مده‌آ در جواب عهدشکنی یاسون، عهد خود را شکسته است و بار دیگر به سحر روی آورده است. او دیگر آن مده‌آی عاشق پیشه نیست که به خاطر یاسون از هرکس و هرچیز می‌گذشت، او بدل به دشمنی شده است که جز به انتقام از یاسون به هیچ‌چیز دیگر نمی‌اندیشد. سپیده‌دم هولناک سرانجام فرا می‌رسد. مده‌آ می‌داند که تا ساعتی دیگر، خبر انتقامی که او از یاسون گرفته شهر را بیدار و وحشت‌زده می‌کند. او فرزندان خود را می‌کشد و بیکر بی‌جان آن‌ها را با خود می‌برد؛ چرا که دختران کولخیسی هرگز اجازه نمی‌دهند انتقام آن‌ها با انتقامی دیگر پاسخ داده شود. آن‌ها همان‌گونه که به هنگام عشق ورزیدن همه‌چیز را ویران می‌کنند، به وقت نفرت نیز ویران می‌کنند و می‌گریزند. ■

است در حالی‌که تصویر بر چهره مده‌آست، بالحنی سرد و بی‌تفاوت به عمویش می‌گوید که سفر با کشتی آرگونات‌ها به او نشان داده است که جهان بسی وسیع‌تر از سرزمین و خیالی است که پلیاس از تسلط بر آن سرمست است. او دستان مده‌آ را همچون گنجی در دست می‌گیرد و راهی بیابان می‌شود و زمانی بعد با او و همراه فرزندانشان به کورینت می‌رسند؛ جایی که زندگی مده‌آ از بخش هیجانی و دراماتیک خود وارد بخش تراژیک می‌شود.

مده‌آ نماد نیروی جادویی شرق است. او جادوگری است که از سحر خود بیزار است و به سرزمین عقلانیت می‌آید. اما او هرگز نمی‌تواند وصله‌جوری برای این تمدن باشد. هرچند که او سحر و جادو را کنار گذاشته است اما آن‌چه که او به عنوان تمدن در یونان منتظرش است تنها ردای مجلل یک مدرنیته است. مردم یونان همچنان او را کولخیسی می‌دانند؛ چرا که در ذهنشان همواره این احتمال را می‌دهد که روزی مده‌آ به گذشته خود بازگردد. اگر چه مده‌آ هرگز چنین قصدی را نداشته است؛ اما این طرز تفکر فاشیستی و نژادپرستانه مردم کورینت است که مده‌آ را وادار می‌کند همچون ساحرگان دست به انتقامی هول‌انگیز بزند.

در نمای پایانی فیلم، مده‌آ سوار بر ارابه خورشید که هلیوس پدریزگش برای او فرستاده است در آسمان راهی سفر شود. او می‌گریزد و فیلم به پایان می‌رسد. در افسانه‌های یونانی سرنوشت مده‌آ همچنان با تلخ‌کامی و خشونت همراه است. او به آتن می‌رود. در آنجا با آیگئوس ازدواج می‌کند و از او صاحب پسری به نام مدوس می‌شود. او تسئوس (تزه)، فرزند دیگر آیگئوس را وسوسه می‌کند که به جنگ با گاو ماراتن برود، بلکه بدین شکل او را از سر راه فرزند خود بردارد اما تسئوس سربلند باز می‌گردد. آیگئوس که از دسیسه مده‌آ با خبر می‌شود او و مدوس را از آتن می‌رانند. مده‌آ این نماد عصیانگر و خشونت‌خوی شرقی تصمیم می‌گیرد به کولخیس بازگردد. بازگشت او به کولخیس اگرچه بار دیگر داستانی خونین به همراه دارد اما به یک‌باره سرنخ داستانی زندگی مده‌آ در افسانه‌های کهن گم می‌شود و از سرنوشت او دیگر هیچ‌جا سخنی به زبان آورده نشده است.